

بررسی تأثیر سفر بر ادبیات داستانی فرانسه در قرن هجدهم میلادی

فریده علوی

استادیار دانشکده زبان‌های خارجی دانشگاه تهران

چکیده

با نگاهی بر تاریخ و ادبیات فرانسه می‌توان دریافت که انسان قرن هجدهم میلادی سرشار از شوق گردشگری، اکتشاف، ماجراجویی، سفر و بالاخره جستجو در ناشناخته‌ها و سرزمین‌ها و افق‌های دوردست بوده است. همین امر موجب شد تا دامنه انتشار سفرنامه‌ها و مجموعه آثار حاصل از تجربیات و مشاهدات سفر در سطح جوامع اروپایی گسترش یابد. بدیهی است ادبیات داستانی بستر بسیار مناسبی برای به تصویر کشیدن تأثیر پدیده سفر در توسعه جغرافیای نوین اقتصادی و ایجاد تغییرات روبه‌افزایش در فرهنگ و تمدن کشورها بوده است. این مقاله، با پژوهش در مهم‌ترین رمان‌های قرن هجدهم میلادی، به بررسی تأثیر متقابل سفر بر ادبیات داستانی این قرن در اروپا و به‌خصوص در کشور فرانسه می‌پردازد، ادبیاتی که با بهم‌آمیختن واقعیت و تخیل و خلق اسطوره‌های جدید میدان وسیعی به شوق سفر و ماجراجویی می‌دهد و خود نیز در این راستا متحول می‌گردد.

واژه‌های کلیدی

سفر، ادبیات داستانی، رمان فرانسه، اسطوره‌های جدید، قرن هجدهم.

مقدمه

گشت و گذار، سیر و سیاحت، جهانگردی، و کشف ناشناخته‌ها از جمله تحرکات طبیعی انسان قرن هجدهم میلادی به شمار می‌آید، زیرا فقط حرکت و کاوش می‌توانست عطش ذهن کنجکاو او را فرو نشاند. قرن کلاسیک، قرن هفدهم، قرن ثبات و پرهیز از

هرگونه تحرک به شمار می‌آید، اما قرنی را در پی داشت که مشخصهٔ اصلیش عشق به سفر و کشف افق‌های جدید بود. بسیاری از منتقدان و نویسندگان سدهٔ هجدهم میلادی را سدهٔ گذر به شمار می‌آورند: گذر از اروپای کوچک به اروپای بزرگ؛ سدهٔ آغاز اشتیاقی سفر به افق‌های دور، با هدف جستجوی خوشبختی؛ سدهٔ کاوش در افکار و فرهنگ‌های دیگران و شیوه‌های گوناگون زندگی؛ و سرانجام سدهٔ شکوفایی و گسترش بورژوازی و ارزش‌های خاص آن (باکو-مائنن ۱۹۹۸، صص ۱۶-۱۷). عرصهٔ ادبیات نیز شاهد تحولات جدیدی در زمینهٔ رمان‌نویسی و پیدایش شخصیت‌های نوین داستانی در این قرن بوده است. چهره‌های نوین اجتماعی نیز، مانند ماجراجویان و کاوشگران جهان‌گردی که در پی درک عمیق‌تر و دقیق‌تر خویشتن خود و جایگاهی که در عالم هستی دارند، به سیر و سفر پرداختند.

نمونهٔ این گونه سفرها را می‌توان در شخصیت ژاک جبرگرا در اثری از دیدرو با همین عنوان یا شخصیت سرگردان و انزواطلب آثار ژان ژاک روسو^۱ مشاهده نمود، که برای فرونشاندن عطش سیری‌ناپذیر خود در کشف افق‌های دوردست و پرده‌برداری از ناشناخته‌ها اقدام به پیمودن مسافت‌های طولانی یا کوتاه می‌کردند. به همین سبب سدهٔ هجدهم میلادی عصر رونق کتاب‌های راهنمای سفر، سفرنامه‌ها، گزارش‌ها و مجموعه آثار مشاهدات سفر و به طور کلی تمامی نوشته‌هایی بود که دلالت بر جابه‌جایی مکانی انسان‌ها و کسب تجربیات تازه داشت.

به طور کلی آنچه را که با ادبیات سفر در قرن هجدهم مرتبط است می‌توان در سه قسمت طبقه‌بندی نمود: ۱. داستان سفرهای واقعی یا سفرنامه‌ها، که در آنها نویسندگان شرح سفرهای واقعی خود را آورده‌اند. ۲. داستان سفرهای فرضی واقع‌گرا، که در آنها نویسندگان وانمود کرده‌اند که به سرزمین‌هایی سفر کرده‌اند که هرگز ندیده‌اند. ۳. داستان سفرهای تخیلی افسانه‌ای، که در آنها نویسندگان به حکایت سفرهایی می‌پردازند که قابل دیدن نیست.

بحث و بررسی

سفر به سرزمین‌های دوردست موجب پدیدار شدن چهرهٔ نوینی از جغرافیای اقتصادی

1) Jean-Jacques ROUSSEAU

و تغییر تدریجی تمدن‌ها گردید، که بازتاب آن را می‌توان به خوبی در ادبیات داستانی آن زمان دریافت. هم‌چنین کشف این حقایق نوین سبب گردید که اسطوره‌های نوینی اذهان مردم مغرب‌زمین را به خود مشغول دارد. بدین سان آنها رفته‌رفته توانستند نسبت به قبول موجودیت انسان‌های دیگر آماده شوند و درس نسبی بودن تمدن‌ها و فرهنگ‌ها را بیاموزند.

در این میان، داستان‌های ماجراجویانه^۱ بستر مناسبی برای انگیختن و هم‌فروشاندن شور سفر و دستاوردهای آن به شمار می‌آید. این گونه داستان‌ها، که از زمان هومر، با ماجراهای اُدیسه، همواره مورد استقبال خوانندگان بوده است، در طول قرن هجدهم، که رمان شکل مشخص‌تری به خود می‌گرفت، موجب پیدایش رمان‌های تاریخی، رئالیست (واقع‌گرایانه)، آموزشی، تربیتی، و بالاخره رمان‌های مردمی در پایان این سده شد. هر داستان ماجراجویانه در واقع سفری است پرتلاطم. بسیاری از این داستان‌ها نام خود را در تاریخ ادبیات جهان به ثبت رسانده‌اند: حماسه اُدیسه، اثر هومر، بیانگر انسان یا مجموعه انسان‌هایی است که، به بهانه هدفی دوردست، دیار مألوف را پشت سر می‌گذارند و آنگاه که به افق‌های دیگر راه می‌یابند آواز بازگشت سر می‌دهند و به این ترتیب به انسان‌های همیشه سرگردانی می‌مانند که از ماجرای به ماجرای دیگر رانده می‌شوند. غایت چنین سفرهایی اغلب عرفانی و در عین حال دور از دسترس است. همین امر موجب می‌شود که مفهوم سفر جای خود را به تفحص و کاوش دهد. از این رو داستان‌های ماجراجویانه همواره ابعاد نمادین و تربیتی به خود می‌گیرند.

سفر در این گونه داستان‌ها در مکان‌های بی‌کران، پرخطر، و ناشناخته صورت می‌گیرد. زیرا در چنین مکان‌ها و فضاهایی حدوث هر ماجرای امکان‌پذیر است. دریا، در میان همه مکان‌های ممکن، مناسب‌ترین بستر است: در دریا، با همه توفان‌ها، مهلکه‌ها، جزیره‌های خالی از سکنه، هیولاها، صخره‌ها، بندرها و کاروان‌سراهای ناامن آنها، و بالاخره امواج هول‌انگیز، هر ناممکنی محتمل می‌شود. در جنگل نیز همواره خطر در کمین است. شهرهای ناشناخته هم فضای مناسبی برای روایت رمان‌های سیاه^۲ فراهم می‌کند. در رمان‌های سیاه یا ترسناک، با ماجراهای مردگان و راهزنان و اشباحش،

1) Romans d'aventures

2) roman noir

شهرهایی به تصویر کشیده می‌شوند که از دریای سنگ و ساختمان و بندرهای دودآلود تشکیل شده و در آن انسان‌های دیوآسا و مکان‌های ملعون و مفقودشدگان بسیاری می‌توان یافت. به واقع، غایت اصلی چنین داستان‌های ماجراجویانه و انگیزه اصلی قهرمانان آن از رفتن به سفر، یافتن مکانی امن و پناهگاهی مطمئن است.

قهرمان داستان، که معمولاً منشأ حماسی دارد، قهرمانی است بی‌باک، زرنگ، حيله گر، جسور، با سادگی کودکان و خردمندی پیران سالخورده. او در مرز میان خیر و شر واقع شده و به هیچ گروه یا کشوری وابسته نیست. او قهرمانی است که تنها به خود و به توانمندی‌های خود وابسته است و، با شروع سفر، زندگی جدیدی آغاز می‌کند. در کنار قهرمان اصلی داستان‌های ماجراجویانه، غالباً شخصیت دیگری وجود دارد که نقش راوی داستان را بازی می‌کند. هرچند که چنین داستان‌هایی ریشه در تخیلات و تصورات دارند، نویسندگان آنها، با ذکر جزئیات صحیح و دقیق به خوانندگان، بر وقوع و صحت مشاهدات خود تأکید می‌ورزند. آنها ماجرای داستان خود را در جغرافیای تخیلی و مبهم و قراردادی داستان‌نویسی محصور نمی‌کردند، بلکه دنیای واقع‌گرای داستانی را بستر مناسبی برای روایت ماجرا می‌یافتند. به این ترتیب، بسیاری از نویسندگان تلاش کردند تا جنبه تخیلی داستان‌سرایی را پنهان نمایند و بر واقعی بودن حکایت خود اصرار ورزند. از این رو، بسیاری از حکایات، از زبان شاهدان عینی سفرها، از جمله دریانوردان، به تصویر کشیده شد. همین امر موجب گردید که به تدریج تشخیص مرز میان حکایت واقعی و حکایت ساختگی و تخیلی کم‌رنگ‌تر شود، زیرا رمان‌ها ریشه در واقعیت‌ها و ارتباطات واقعی داشتند. تلاش برای نزدیک‌تر کردن روایت داستان به واقعیت تا جایی پیش رفت که رمان‌نویسان به ابداعات جدیدی همچون افزودن پیش‌گفتار و مقدمه در ابتدای داستان خود همت گماشتند. به این ترتیب، تخیلات خود را واقعی‌تر جلوه می‌دادند.

هرچند سفرنامه‌های واقعی می‌توانستند شور و اشتیاق مردم را در ارتباط با سفر به «دیگرسو» و سرزمین‌های ناشناخته برآورده سازند اما رواج رمان‌های سفر فرضی واقع‌گرایانه و رمان‌های سفر تخیلی-افسانه‌ای رشد چشمگیری داشت و تأثیر فراوانی بر ادبیات داستانی کشورهای اروپایی، به خصوص فرانسه، گذاشت. در واقع، با نگاهی بر تاریخ ادبیات، می‌توان دریافت که تا قبل از سال‌های ۱۷۲۰ ادبیات داستانی فرانسه،

به خصوص ادبیات سفر، تأثیر درخور توجهی بر ادبیات کشورهای هم‌جوار خود، از جمله انگلیس، داشته است. اما، با پدیدار شدن رمان‌های انگلیسی، همچون رابینسون کروزوئه و سفرهای گالیور، در بازار کتاب، فصل جدیدی در تبادل‌های ادبی دو کشور آغاز شد. رواج دارالترجمه‌ها نیز نقش به‌سزایی در نفوذ ادبیات داستانی سفر فرانسوی و انگلیسی به کشورهای اروپایی داشت. ژان میشل راکو در کتاب اوتوپای روایی در فرانسه و انگلستان می‌نویسد:

بدین گونه سه منطقه جغرافیایی و فرهنگی به‌وضوح شکل گرفتند. بلوک فرانسوی-انگلیسی، که به واسطه جریان شدید تبادل‌های متقابل فعالیت می‌کردند، بلوک ژرمنی (آلمانی)، که در موضع‌گیرنده نسبت به بلوک اولیه و فرستنده نسبت به جهان اسکاندیناوی بود، و سرانجام بلوک ایتالیایی-اسپانیایی، که نه نقش‌گیرنده را ایفا می‌کردند و نه نقش فرستنده را (راکو ۱۹۹۱، ص ۱۷۴).

همان طور که گفته شد، نمونه بارز رمان‌های سفر، که آغازگر فصل جدیدی در ادبیات داستانی اروپا بود و تأثیر چشمگیری بر آن داشت رمان رابینسون کروزوئه، اثر دانیل دیفوا، است. این اثر را، که در شمار بزرگ‌ترین شاهکارهای ادبیات داستانی سده هجدهم میلادی است، رمان‌نویسی به نگارش درآورد که خود شیفته سفر بود و به کشورهای همچون اسپانیا، فرانسه، ایتالیا و آلمان سفر کرده بود. اما یکی از علت‌های چنین موفقیت چشمگیری را می‌توان در توسعه شرکت‌های حمل و نقل دریایی و کشتیرانی، تورهای سیاحتی دریایی، انتشار خرافه‌ها، نقل و بازگویی ماجراهای حادث شده در مشرق‌زمین و به‌خصوص در سرزمین هند یافت، که موجب تحریک تخیلات ملت‌های غربی می‌شد.

بنابراین، ماجراهای رابینسون کروزوئه نیز همچون بسیاری از رمان‌های این دوران الهام گرفته از داستانی واقعی است که در گزارش کاپیتان وود راجرز از سفر دریایی خود به دور دنیا از سال ۱۷۰۸ تا ۱۷۱۱ بازگو شده است: گزارشی از زندگی الکساندر سلریک به مدت چهار سال و چهار ماه در جزیره‌ای متروک و خالی از سکنه.

داستان سلریک چنین بود که او، به دنبال مشاجره با کاپیتان کشتی، در جزیره خوان فرناندز رها شد و سرانجام چهار سال بعد در وضعیت بسیار سختی، ملبس به پوست

حیوانات و شاید بسی وحشی‌تر از حیوانات وحشی، نجات یافت. این حکایت از منظر دیفو بسیار افسانه‌ای به نظر می‌رسید. لذا، با تغییراتی در زمان و مکانِ حدوثِ ماجرا و ترکیب آن با برخی عناصر تشکیل دهنده گزارش‌های مستند از کشف سرزمین گویان، به خلق شخصیت داستانی خود پرداخت و نام او را رایسون کروژوئه نهاد.

موضوع این رمان چندان تازه به نظر نمی‌رسید، زیرا از زمان فیلوکت^۱ در این باب سخن‌های بسیار رانده شده و رمان‌های بسیاری نوشته شده بود. اما می‌توان آنچه را که موجب تمایز این رمان از رمان‌های گذشته بود در میزان واقع‌گرایی داستان دانست. دیفو، که علاوه بر نویسندگی حرفه‌روزنامه‌نگاری را نیز تجربه کرده بود، به خوبی می‌توانست به وصف جزئیات و ظرایف صحنه‌های خیابان‌ها و حوادث جزئی، آتش‌سوزی‌ها، و اعتصاب‌ها بپردازد. بنابراین، تبدیل شرح حال واقعی انسان‌ها به شرح حال تخیلی و داستانی برای او کار دشواری نبود.

قهرمان رمان دیفو فقیری تیره‌بخت یا اشراف‌زاده‌ای توانمند نیست، بلکه بورژوازی است جسور، انسانی، مانند دیگران، با همه ضعف‌ها و خوبی‌ها، که آنچه موجب تمایز او از دیگران است ماجراها و حوادثی است که بر او حادث می‌شود. بدیهی است که دیفو این رمان را برای قشر متوسط انگلیسی به نگارش درآورده بود. از این رو، خواننده هویت خویش را به راحتی در شخصیت این قهرمان مدرن می‌یافت. همان‌طور که در گذشته هویت خود را در قهرمانانی همچون دون کیشوت^۲ یا فاوست^۳ یافته بود.

علاوه بر خلق اسطوره جدید، اهمیت کار دیفو در ارائه مفهوم جدیدی از رمان بود: مفهوم نول^۴. اما این رمان نو دارای قهرمانی بود انزواطلب و منفعت‌جو، که برای ادامه حیات خود متکی به هیچ انسانی جز خویش نبود. او خوشبختی را، که سال‌ها در طلب آن رنج می‌کشید، با گذر از آب مطهر، در سواحل جزیره‌ای متروک به دست آورد، همراه با ارزش‌هایی چون میانه‌روی، اعتدال، قناعت، آسایش خاطر و آرامش روان. در واقع در پی سفر بود که قهرمان دیفو زندگی نوینی آغاز کرد. سفر و حوادثی که در ضمن آن رخ داد، موجب شد تا قهرمان داستان مروری بر مفهوم زندگی به عمل آورد و درس‌هایی بیاموزد، درس‌هایی همچون ارج نهادن به زمان، نیاز، صبر، مؤثر بودن تلاش برای

1) *Philoctète*2) *Don Quichotte*3) *Faust (Faustus)*4) *novel*

رسیدن به مقصود. در واقع، شناخت نسبی بودن حقایق و قوانین بشریت فقط در صورتی میسر بود که دیفو قهرمان داستان خود را از دیار و جامعه انسانی خارج کند و به بررسی ترازنامه اعمال و نکات مثبت و منفی زندگی روزمره پردازد.

از این رو، افکار نوین در اذهان مردم شکل می‌گرفت: رابینسون قهرمان تنهایی بود که تنهایی در جزیره موجب تولید و ظهور توانایی‌ها و انرژی‌های نهفته او شده بود. او خارج از محیط صنعتی جوامع مدنی، به ارزش‌های حقیقی دست یافته بود. هم‌چنین او در دنیای جدید و ناشناخته خود به اهمیت همکاری انسان‌ها، تقسیم کار، قانون داد و ستد و غیره پی برده بود.

به این ترتیب، سفر رابینسون منجر به خلق نمونه و پیکره انسانی شد که تنها، بر روی جزیره خود، به خویشتن خویش و خودشناسی دست یافت. با انتشار کتاب رابینسون کروزوئه الگوی جدیدی از رمان‌نویسی و جهان‌بینی پدیدار شد و به نوعی از داستان نویسی اطلاق گردید که عناصر سازنده آن عبارت بودند از: سفری دریایی، شکسته و غرق شدن کشتی، نجات یافته‌ای تنها در جزیره‌ای خالی از سکنه، و بالاخره دکور و پیش‌زمینه‌ای سرشار از ظرافت‌های اسطوره‌ای و سمبولیک که تخیل و تفکر خواننده را به طور هم‌زمان بر می‌انگیخت.

اما به موازات این ژانر ادبی^۱ گونه دیگری از رمان‌نویسی در ارتباط با سفر شکل گرفته بود. رابینسون نمونه مسافری بود که بروز حادثه‌ای موجب تغییر مسیر زندگی و ادامه حیاتش در جزیره‌ای متروک شد. اما شخصیت‌های داستان‌های آرمان‌گرا چهره متفاوتی از سفر و مسافر را به خوانندگان خود ارائه دادند. در حالی که رابینسون نقش اصلی و فعال را در داستان به عهده دارد، مسافر آرمان‌گرا فقط نظاره‌گری منفعل است. مسافر آرمان‌گرا می‌کوشد تا با طرح ایدآل‌ها و آرمان‌های خود فشارها و سختی‌های واقعیت را پنهان کند، در حالی که شخصیت رابینسون به بزرگ‌نمایی فاجعه‌بار مشکلات و فشارهای زندگی و نحوه تقابل با آنها می‌پردازد و به طور کلی قضاوتی سخت و غالباً منفی در مورد شرایطی که در آن قرار گرفته دارد. قهرمان سفرهای آرمانی نه تنها معمولاً واکنش‌های مثبت دارد بلکه جهان‌بینی او بسیار کلی است، حال آن‌که رابینسون با

1) Robinsonnade

موشکافی در جزئیاتِ امور جهان‌بینی بسیار دقیق و ظریفی را ارائه می‌نماید. بنابراین، به رغمِ نزدیک بودن این دو ژانر ادبی در دور ساختن قهرمان‌های خود از بعد مکانی و زمانی و انتقال آنها به دیگر سویی ناشناخته، به خوبی می‌توان به عمق اختلاف آنها پی برد.

هرچند که پیدایش ژانرِ رمان‌نویسی به سبک و سیاق رابینسون کروزوئه رشد چشم‌گیری در اروپا و به‌خصوص انگلستان داشته است، اما پس از انتشار رمان سفرهای گالیور، مسیر رمان‌نویسی سبک و سیاقی آرمان‌گرا و فلسفی پیدا کرد. ادبیات فرانسه این سبک را به خوبی پذیرا شد، اگرچه فرانسویان معتقد بودند که این سبک و سیاق از دیرباز در آثار سیمون تیسو دو پاتو^۱ در کتاب سفرها و ماجراهای ژاک ماسه (۱۷۱۰) و ماریو^۲ در کتاب آثار شگفت‌انگیز جاذبه و عاطفه (۱۷۱۳) وجود داشته است. در واقع، خوانندگان فرانسوی بخش‌هایی از رمان را، که به وصف ماجراهای حادث شده در زندگی رابینسون کروزوئه می‌پرداخت، بر صحنه‌های ناملایمات، رنج‌ها، ریاضت کشیدن‌های قهرمان ترجیح می‌دادند. اما، در هر صورت، آنچه مورد توجه همگان قرار گرفته بود، نوشتار واقع‌گرای خود شرح حال نویسی در آثار دیفو بود، که می‌توان آن را در ماجراهای بوشن اثر لوزاژ^۳ یافت. پره‌ووست^۴ نیز از این قائله مثنی نبود و با نوشتن رمان فلسفه انگلیسی یا داستان آقای کلولان^۵ (۱۷۳۱) حضور خود را در این عرصه تثبیت کرد و الگوی بسیاری از نویسندگان عصر خود شد. هم‌چنین انتشار کتاب امیل، اثر ژان ژاک روسو در ماه می ۱۷۶۲ سبب ترقی و موفقیت رمان در سراسر اروپا گردید و موجب شد که اسطوره رابینسون به شکل‌های گوناگون و به زبان‌های مختلف به تصویر کشیده شود. حتی در آلمان، کلمه رابینسون مفهوم «انسان ماجراجو»یی را یافت که هر حادثه و ماجرای خارق العاده‌ای بر او حادث می‌شود.

اما سفرهای گالیور، اثر جانائاتان سوئفت^۶، نسبی بودن ادراکات و به‌خصوص روابط

1) Simon Tyssot de Patot: *Voyages et aventures de Jacques Massé*

2) Pierre Carlet de Marivaux

3) Alain René Lesage: *Les Aventures de Beauchêne*

4) Antoine François Prévost dit L'abbé Prévost

5) *Histoire de M. Cleveland*

6) Jonathan Swift

حاکم بر انسان و جهان را مطرح نمود: قهرمان داستان، در طول سفر خود، حیران و سرگردان در تغییرات، مسخ و تغییر شکل نشانه‌ها و اندازه‌ها، به این موضوع پی می‌برد که هیچ چیز بزرگ یا کوچک شمرده نمی‌شود مگر از طریق مقایسه. لذا او همواره با مشکل هماهنگ‌سازی خود با موقعیت جدید خویش مواجه می‌شود.

هرچند که تعیین نوع این سفرنامه‌ها و اطلاق طنز، افسانه، یا رمان به آنها بسیار دشوار به نظر می‌رسد اما موفقیت آنها بسیار چشم‌گیر بوده است، طوری که نیم قرن پس از اولین چاپ ترجمه سفرهای گالیور به زبان فرانسه، آکادمی فرانسه واژه جدید لیلیپوسین^۱ را با مفهوم «انسان یا شیء فوق العاده کوچک» به دیکسیونر آکادمی (لغت‌نامه فرهنگستان) اضافه می‌کند. بنابراین، سفر از منظر سوئیت طی طریق برای دستیابی به خویشتن نبود. سفر راهی بود که انسان را در تبیین مفاهیم جدید و معرفت به روابط انسان و جهان یاری می‌نمود، تا جایی که ولتر، در نامه‌های فلسفی، از نویسنده سفرهای گالیور با عنوان «رابله انگلیسی» یاد می‌کند (ولتر ۱۹۸۸، نامه‌های پنجم و بیست و دوم).

یکی دیگر از اهداف سفر در ادبیات داستانی پیمودن صحنه‌های گوناگون و کسب تجربیات زندگی در بُعدی فلسفی برای نیل به خوشبختی است. داستان راسولا، شاهزاده ابی‌سینی، اثر ساموئل جانسون^۲، از جمله این رمان‌ها است.

راسولا پسر امپراتور ابی‌سینی (منطقه‌ای در اتیوپی) در دره‌ای بهشتی زندگی می‌کند که در آن هر آرزویی به سرعت برآورده می‌شود و گذر زمان مفهومی ندارد. این جا همان آرمان‌شهر است که در آن همه مردم در خوشبختی به سر می‌برند. اما در این میان راسولا، دل‌زده از این همه نشاط و نعمت، دچار یأس و افسردگی می‌شود. در واقع، نویسنده، به توضیح این مطلب می‌پردازد که این پریشان‌حالی در نتیجه ناشناخته ماندن احساسات درونی انسان‌ها یا اسرار نهفته در روح آنهاست، که درک و شناخت آن همان نیل به خوشبختی است. پس راسولا، به اتفاق دو تن دیگر، از این آرمان‌شهر می‌گریزند تا تیره‌بختی و مصیبت دنیای خارج را نظاره‌گر باشند. آغاز سفر در این رمان، مانند رمان‌های مونتسکیو و ولتر، آغاز توصیف‌های منتقدانه از صحنه‌های غریب و غیر بومی است که قهرمانان داستان و هم‌چنین خوانندگان رمان را به تفکر و تفحص در خصوص

1) Lilliputien

2) Samuel Johnson: *Histoire de Rasselas, prince d'Abyssinie*

دنیایی که در آن زیست می‌کنند سوق می‌دهد: تفکر در خصوص گوناگونی و تنوع در زیستن، فواید و مضرات تنهایی، حسن و قبح جوامع مدنی و به طور کلی تفکر در باب هرآنچه مربوط به رفتار اجتماعی و نوع زندگی است.

بررسی و نقد رفتارهای اجتماعی و آداب زندگی منحصر به این نویسنده انگلیسی نبود. مونتسکیو فرانسوی نیز در رمان نامه‌های ایرانی به این مطلب پرداخت و با خلق دو شخصیت ریکا و ازیک به تحلیل زندگی در جوامع فرانسوی همت گماشت. در این رمان، به روایت سفر دو ایرانی فرضی پرداخته می‌شود که به فرانسه می‌روند و در طول هشت سال اقامت در این کشور دیده‌ها و دیدگاه‌های خود را از طریق نامه برای مردم سرزمین‌شان می‌نگارند و خبرهای تازه را از کشور خود دریافت می‌کنند.

استفاده از فضای رمان، قلم نویسنده را در نقد جامعه فرانسوی، قدرت کلیسا، حکومت استبدادی رژیم پادشاهی وقت، اسارت و بردگی آزاد می‌گذارد. به‌واقع، مونتسکیو از علاقه خوانندگان خود نسبت به شناخت سرزمین‌های اسرارآمیز مشرق‌زمین بهره می‌برد و بیشتر نظریات خود را در باب آزادی، استبداد، عدالت و قوانین، که در کتاب روح القوانين نیز مطرح می‌سازد، با زبانی ساده و از زاویه دید ییگانگان کنجکاو، به طور مبسوط شرح می‌دهد. بدیهی است که نقش و هدف اصلی چنین رمان‌هایی توجه به ابعاد تربیتی و آموزشی بوده است. اما تجارب حاصل از سفر قهرمانان داستان‌ها غالباً تلخ و بدبینانه و حتی گاهی مخرب است. قهرمانان این گونه رمان‌های غالباً دچار تحول یا تغییر محسوس شخصیتی نمی‌شوند اما در پایان امیدهای خود را باطل، آمال و آرزوهای خود را واهی و همه پیش‌فرض‌های خود را غلط می‌یابند.

آنچه در این رمان‌ها قابل تحسین می‌گردد، وجود قهرمانانی است که جسورانه از سرزمین خود جدا می‌شوند و با پشتکار و حوصله‌ای طاقت‌فرسا و در سفری طولانی و پایان‌ناپذیر گام می‌نهند تا پاسخی برای نادانسته‌ها و پرسش‌های ذهن خود بیابند، هرچند که سفر به مفهوم وداع با لذت‌ها و شیرین‌کامی‌های زندگی آرام و بی‌دغدغه آنان باشد. سرانجام، نویسندگان چنین رمان‌هایی در صدد نمایش این تفکرند که انسان، به رغم تلاش‌هایی که برای خوشبختی او شده است، نمی‌تواند وجود و موجودیت خود را در محدوده شرایطی که در آن قرار گرفته بپذیرد.

پر واضح است که سفرهای تخیلی افسانه‌ای، که در دنیایی شگفت‌انگیز و خارق

العاده شکل می‌گرفتند، می‌توانستند با خلق دنیایی نو راه حلی آسان برای برآورده ساختن نیاز انسان‌ها به خروج از محدوده مکانی و زمانی و حتی از حیطة واقعیت و دستیابی به دنیای رؤیاها باشند. هم‌چنین این داستان‌ها می‌توانستند بستر مناسبی برای بیان مفاهیم پیچیده فلسفی فراهم آورند.

یکی از رؤیایی‌ترین سفرها در نزد فرانسویان سده هجدهم سفر به سرزمین‌ها و جزایر آمریکای جنوبی بود. از این رو، رمان‌نویسان بسیاری از جمله پره‌ووست به حکایت رمان‌های تخیلی و آرمان‌گرایانه از سرزمین‌ها و جزایری مانند سنت هلن، جامائیکا، کوبا، ویرجینیا، و سنت دومینیک پرداختند.

شخصیت‌های داستانی پره‌ووست در رمان فیلسوف انگلیسی یا داستان آقای کلولان، که در آغاز داستان در صلح و صفا به سر می‌برند، به دلیل نادیده گرفتن آداب و رسوم جامعه خود، از آن سرزمین تبعید می‌شوند. راوی یا شخصیت اصلی داستان، که خود را فرزند نامشروع کرومول معرفی می‌نماید، به طرز ماهرانه‌ای دست به نگارش داستان زندگی خود می‌زند.

هرچند که وی در طول داستان از ضمیر اول شخص استفاده نمی‌کند و از خود با عنوان آقای کلولان یاد می‌کند، اما هنرمندانه به تحلیل کاوش‌های درونی و روحانی انسانی می‌پردازد که به شکل دردناکی در جستجوی چاره‌ای برای مسئله شر و بدی است. او، که از سوی پدر مستبد خود طرد شده، به غاری پناه می‌برد و در آن‌جا با دو شخصیت دیگر داستان آشنا می‌شود. حاصل این آشنایی، سفری است با ماجراها و حوادثی که شخصیت‌های داستان را ناخواسته به سمت خلاف کردن، درماندگی، و ناامیدی سوق می‌دهد. شخصیت‌هایی که در آغاز داستان خواهان چیزی جز یافتن حق و دوستی نبودند، همواره در دام باطل و گناه گرفتار می‌شوند و در پایان داستان مأیوس و اندوهگین به کشور خود انگلستان باز می‌گردند و انزوا می‌گزینند.

این قهرمانان در طول سفر ماجراجویانه خود با جوامع بومی و غیر مدنی سه منطقه آشنا می‌شوند. تصور اولیه آنان از هرکدام از این جوامع بسیار خوشایند و لذت‌بخش است. هر بار آنان گمان می‌کنند که به جامعه ایدآل دست یافته‌اند اما در نهایت با این واقعیت روبه‌رو می‌شوند که هیچ جامعه‌ای برای مدت طولانی خوشبخت نمی‌ماند و به سرعت رو به انحطاط می‌رود. و این از تفکرات بدبینانه نویسنده نشأت گرفته است.

شاید بتوان ادعا کرد که در غالب رمان‌های آرمان‌گرا سفر نوعی گریز از جامعه متمدن و تصنعی است. نمونه بارز این تفکر در رمان سفر به آفریقا، هند شرقی و غربی (۱۶۱۷)، اثر موکه^۱، و رمان اسپکتور^۲ (۱۷۱۱)، اثر استیل، دیده می‌شود، که در آنها به وصف خوبی‌ها و نیکویی فطری و ذاتی انسان غیر متمدن و وحشی و ذم نتایج تربیت ناپسند انسان متمدن پرداخته شده است. این رمان‌ها، که به واقع در ردیف اسطوره‌های ادبی شناخته شده‌اند، مبنا و موضوع بسیاری از رمان‌ها، اشعار، افسانه‌ها، و نمایشنامه‌های آن عصر گشتند.

اما ادبیات داستانی به سفر به استرالیا، سرزمینی دیگر، آمریکای شمالی، آمریکای جنوبی، و دیگر قاره‌های واقعی یا خیالی اکتفا نمی‌کرد. هنوز سرزمینی وجود داشت که از عهد باستان همه مسافران و مشتاقان سفر را مجذوب خود ساخته بود: سفر به کره ماه رمان‌نویسان بسیاری را وادار به اختصاص رمان‌های خود به این امر کرد. داوید روسن^۳، ولتر^۴، دیفو، مادام دو رومیه ریب^۵، بارون واس^۶، رتیف^۷ از معروف‌ترین آنها هستند.

شرح ماجرای سفر به ماه می‌توانست در تشدید ابعاد انتقادی و طنزآمیز رمان مؤثر باشد. در واقع هر قدر که مسافت محل حدوث ماجرای داستان از زمین دورتر بود، جنبه‌های انتقادی آن افزایش می‌یافت. به همین دلیل، برخی از رمان‌نویسان مقصد سفر را مریخ تعریف کردند. قهرمانان این گونه از رمان‌ها با ساخت وسیله‌ای پرنده به سیارات دیگر سفر کرده و مشاهدات خارق‌العاده خود را به تصویر می‌کشیدند.

اما حتی اگر ماجرای داستان در سیارات دوردست صورت نگیرد، شخصیت‌های بسیاری از رمان‌ها فرازمینی محسوب می‌شوند. از جمله این شخصیت‌های فرازمینی می‌توان به کودکان اشاره نمود که، به واسطه دور نگه داشته شدن از جوامع مدنی، از هرگونه زوال و انحطاط به دور اند و با سفر به دنیای دور و نزدیک، زشتی و تباهی تمدن را به تصویر می‌کشند.

پرواضح است که در چنین رمان‌هایی نویسنده به جنبه‌های تربیتی و رشد و شکوفایی کودک در طبیعت وحشی و غیر متمدن توجه دارد. پرداختن به چنین موضوعی در ادبیات سده هجدهم بسیار رایج بوده است. از آن جمله می‌توان به رمان ایرمیس یا دختر طبیعت، اثر

1) L.J. MOCQUET

2) *Spectator*

3) David ROUSSEN

4) VOLTAIRE

5) Mme de ROUMIER-RIBERT

6) BARONNE WASSE

7) RESIL

دولوران^۱، یا کلبه نامرئی، اثر ژان پل^۲ اشاره نمود، که در اولی فیلسوفی دختری را در غاری بزرگ زندانی می‌کند و در دومی پسری به نام گوستاو در آمریکای زیرزمینی پرورش می‌یابد. اما سفر این قهرمانان مفری است برای نویسنده تا افکار خود را به خواننده القا کند، همان طور که در نقل روایت آرمانی نیز از ابعاد احساساتی یا عقلانی در سرزمین‌های بکر، در مشرق‌زمین یا در سرزمین‌های باستانی همین شیوه را پیش می‌گیرند و با ارائه اندیشه‌های نوین تلاش می‌کنند تا انسانیت و سرشت انسانی نوین را ایجاد نمایند. از این رو، جهت نیل به چنین هدفی نویسنده ملزم می‌شود، با طرح انتقادآمیز و اساسی واقعیت‌های اجتماعی، مرز میان ایدآل یعنی آنچه را که باید باشد و آنچه که هست به تصویر کشد و به روی صحنه نمایش درآورد.

یکی از عناصر اصلی رمان‌های آرمانی جابه‌جایی در مکان یعنی سفر و غالباً سفری تخیلی است که در ضمن آن توصیف‌های بی‌شمار در قالب رمان، سفرنامه، روایت‌های چوپانی، افسانه‌های موهوم، رسالات انتقادی، اخلاقی، قضایی و غیره آورده می‌شود. به طور مثال، ابه کوایه^۳، نویسنده کتاب کشف جزیره پوچی، در سال ۱۷۵۱ به نقد طیزآمیز فرانسه در حال انحطاط می‌پردازد و در واقع در رمانی ضد آرمان‌گرا تمامی آداب و سنن فرانسویان را از زبان ساکنان انگلستان به سخره می‌گیرد. همین نویسنده در رمانی با عنوان شینکی به سال ۱۷۶۸ ساختارهای فئودالی را به باد انتقاد می‌گیرد. از این روست که قهرمانان این گونه داستان‌های آرمان‌گرا در اثر کشف فساد موجود در جامعه، متحول و دگرگون می‌شوند: گویی سفر آنان یک‌سویه است و بازگشتی ندارد. از گالیور گرفته تا قهرمانان همه رمان‌های آرمان‌گرا، از هنگام کشف و درک حقایق، بازگشت به گذشته و ادامه روند زندگی به شکل قبلی خود امکان‌پذیر نیست. به بیان دیگر، در این گونه رمان‌ها، نوشتار و گفتار داستانی موجب پدیدار شدن شکاف، فاصله، اختلاف ریشه‌ای و اساسی می‌گردد.

از افلاطون گرفته تا توماس مور، و راس، ایسو دو پاتو، مورلی، استیسلاس لکزینسکی و غیره نیل به ایدآل یا آرمان خاص همواره سبب جدایی واقعیت جامعه و زندگی از ایدآل‌های ترسیم‌شده بوده است. از این رو، نویسندگانی همچون ژان ژاک

1) Du LAURENS

2) Jean Paul

3) L'abbé Coyer

روسو رمان‌های تخیلی و افسانه‌ای را بر رمان‌های آرمان‌گرا ترجیح می‌دادند، هرچند که غالباً در رده نویسنده آرمان‌گرا قرار داده می‌شدند. از نظر روسو به عرصه تخیل گام نهادن به مثابه شروع سفر است، سفر به مأمن طبیعت با انسان‌هایی که شایستگی سکنا گزیدن در آن را دارند. از این رو قهرمانان رمان الوئیز دیگر، سرخورده از شرایط خود، به ناچار، سرنوشتی را که برایشان رقم زده می‌شود می‌پذیرند. سنت-پرو، شخصیت اصلی داستان، که از شهر و دیار و به خصوص قوانین حاکم بر آن کاملاً مأیوس می‌شود و در انتخاب همسری که دوستش دارد ناکام می‌ماند، سفر به دور دنیا را برمی‌گزیند و از ماندن در جامعه خود و پذیرفتن سنت‌های آن می‌پرهیزد. اما پس از چهار سال جهان‌گردی، هنگامی که به موطن خود باز می‌گردد، در رویارویی با واقعیت، آشفته‌تر و پریشان‌حال‌تر از همیشه، شاهد از دست رفتن کسانی می‌شود که روزگاری به آنها دل بسته بود.

از این رو، ژان ژاک روسو از زبان ژولی، یکی دیگر از قهرمانان رمان الوئیز دیگر می‌گوید که دنیای تخیلات تنها مکان مناسب برای زیستن است زیرا تنها مکان خوشبختی است که از حوادث و توفان‌های جهان واقعی مبرا شده و آن‌چنان بسته و پنهان است که هیچ‌گزندی به آن نمی‌رسد (الوئیز دیگر، روسو ۱۹۹۸، ج ۲، ص ۱۱۸). روسو هم چنین در نامه‌ای خطاب به مالرب^۱ می‌نویسد:

من تکلیف خود را در قبال موجودات تخیلی که گرداگرد خود جمع می‌کنم خوش‌تر می‌یابم تا انسان‌هایی که در این دنیا می‌بینم (روسو ۱۹۹۸، ج ۱، ص ۱۲۳۱).

پس او استفاده از تخیل را مانند سفر و گریزی می‌داند که امکان مقایسه آنچه که هست و آنچه که باید باشد برای انسان فراهم می‌کند. از این رو، در ادامه سخنان خود می‌نویسد: من جامعه‌ای دلفریب را آن‌چنان خلق می‌کردم که از وجود آن شرمسار نباشم. من با تخیل خود قرنی طلایی را می‌ساختم (همان).

برنادن دو سنت پیر^۲، که خود یکی از دوستان نزدیک روسو بود، در سال ۱۷۸۸ کتاب پل و ویرژینی^۳ را به عرصه ادبیات عرضه می‌کند. او نیز، سوار بر بال خیال، سفری دوردست را به سرزمین آمازون و قبایل آرکادی آغاز می‌کند که مردمانی پارسا و دوستدار عصمت و سادگی دارد و با رعایت سنن و رسوم اجدادی خود زندگی می‌کنند.

1) Malherbe

2) Bernardin de Saint-Pierre

3) Paul et Virginie

نویسنده به توصیف آنان می‌پردازد، اما به زودی در می‌یابد که وصف احوال این مردمان ممکن است به بی‌حوصلگی خواننده و یکنواختی رمان بینجامد. پس در صدد آن بر می‌آید که این یکنواختی را با سفرِ قهرمانانِ خود از میان بردارد و تعالی ملت آرکادی را در تضاد و تقابل با سایر ملل جهان بنمایاند. بنابراین، یکی از قهرمانان دلیر خود را به همراه حامی و استادش راهی سفر می‌کند. آنها نیز در طول سفر در می‌یابند که همهٔ جوامع بشری را می‌توان در سه مرحله از تکامل مشاهده کرد:

۱. مردمانی که در مرحلهٔ بربریت و وحشیگری قرار می‌گیرند و جز خشونت و زور چیزی نمی‌دانند،

۲. مردمانی که در مرحلهٔ تعادل، توازن، و ظرافت قرار می‌گیرند و سرزمین خود را آباد می‌سازند،

۳. و سرانجام مردمانی که در مرحلهٔ تباهی و فساد به سر می‌برند.

اما در پایان راه و در بازگشت به سرزمین خود، هنگامی که توفان همهٔ گلستان‌ها و باغ‌ها را نابود می‌کند، قهرمانان هم‌چون خوانندگان داستان در می‌یابند که «همه چیز بر روی زمین فانی است: تنها آسمان [ملکوت] است که تغییر نمی‌یابد». آنها در می‌یابند که مخلوقات، هرچند زیبا، محکوم به تباهی‌اند و بهشت از دست رفتنی است.

در پایان سدهٔ هجدهم میلادی، ادبیات داستانی سفر به واسطهٔ ظهور چهرهٔ رونه دو شاتوبریان^۱ در این عرصه ابعاد شاعرانه‌ای به خود می‌گیرد و در آن نفس تازه‌ای دمیده می‌شود. رؤیای سفر به سرزمین‌های دیگر و پهنه‌های طبیعت، خروج از محدودهٔ زندگی روزمره برای دستیابی به افق‌های بیکران از جمله خصوصیات نوشته‌های شاتوبریان می‌شود. او تجربهٔ سفر را در تجربهٔ نوشتار در هم می‌آمیزد و خود را جزء معدود نویسندگانی می‌داند که اثر و سفرش را نمی‌توان از هم متمایز نمود. پس در کتاب خاطرات پس از مرگ می‌گوید:

من در بیشه‌ها از بیشه‌ها سخن راندم، بر روی کشتی‌ها به وصف اقیانوس‌ها پرداختم و در غربت تبعید را آموختم» (شاتوبریان، قسمت چهارم، ۴۴، ص ۸).

1) René de CHATEAUBRIAND

نتیجه‌گیری

در حالی که سفر انسان سده هجدهم را به عرصه‌های دیگر سوق می‌دهد، زمینه‌ی ماجرای ادبیات داستانی را نیز وسعت می‌بخشد. ادبیات داستانی فرانسه، که تا آن زمان به عنوان یک نوع ادبی پست در نظر گرفته می‌شد، با الهام گرفتن از موضوع سفر، رواج یافت و گسترش آن موجب تنوع و فراوانی شکل‌های آن گردید. هم‌چنین روایت سفر در کشور فرانسه موجب گردید تا بر شمار خوانندگان رمان‌ها روزبه‌روز افزوده شود و بازار ترجمه و انتشارات رونق گیرد. سفر، به منزله‌ی یک جابه‌جایی و تغییر مکان، موجب تغییر و دگرگونی در ساختار رمان و شخصیت‌های داستانی ادبیات فرانسه نیز گردید. خوانندگان این گونه رمان‌ها، همراه شخصیت‌های داستانی، با جابه‌جا شدن در می‌یابند که همه چیز و هر ارزشی نسبی است. از این رو، با نگاهی جدید، نگاهی منتقدانه یا طنزآمیز، به شناخت دیگر انسان‌ها و در نهایت شناخت خویش می‌رسند، خویشانی که محور مشاهدات آنها می‌گردد و به این ترتیب در می‌یابند که ادراکات و جهان‌بینی آنها نیز نسبی است. گذر از مکان و تفحص در «دیگری» خواننده را به نگرستن به خود می‌رساند، نگرستن به خود و شرایط خود، که تعیین‌کننده‌ی معرفت، آگاهی، و نیک‌بختی می‌گردد.

منابع

- BACAUD-MAËNEN, Florence, *Le roman de formation au XVIIIe siècle en Europe*, éd. Nathan, Paris 1998.
- CHATEAUBRIAND, René de, *Mémoires d'outre-tombe*, Gallimard, "La Pléiade", Paris 1976.
- DELOE, Daniel, *Robinson Crusoe*, éd. Nathan, Paris 1998.
- JOHSON, Samuel, *Histoire de Rasselas, Prince d'Abyssinie*, traduit en français par Octave Belot, éd. Imago, Paris 1994.
- MONTESQUIEU, Charles-Louis de Secondat, *Lettres persanes*, éd. Laurent Versini, Paris 1989.
- RACAULT, Jean-Michel, *L'utopie narrative en France et en Angleterre, 1675-1761*, The Voltaire fondation, Studies on Voltaire, Oxford 1991.
- ROUSSEAU, Jean-Jacques, *Julie ou la Nouvelle Héloïse*, dans *Oeuvres complètes*, t. II, Gallimard, "La Pléiade", Paris 1964.
- SAINI-PIERRE, Bernardin de, *Paul et Virginie*, éd. Robert Mauzi, Flammarion, 1972.
- SWIFT, Jonathan, *Les Voyages de Gulliver*, Flammarion, 1997.
- VOLTAIRE, *Lettres philosophiques ou Lettres anglaises*, éd. Raymond Naves, Garnier, 1988.

